

ایستاده در قاریخ سنگافراشته های شَهَریری،

یکی از عجیب ترین آثار تاریخی ایران

انازيلا ناظمى

در نقاط مختلفی از جهان و از جمله ایران، آثار شگفتانگیزی بهصورت ستونی از سنگهای یکپارچه، با قدمتی بسیار کهن وجود دارد که در اصطلاح به آنها «سنگافراشته» (standing stone) یا «استل» میگویند. مهم ترین نمونههای این ستونهای سنگی در ایران را میتوان در منطقهٔ «شهریری مشکین شهر» یافت.

شهریری ناحیهای است باستانی در نزدیکی روستای «پیرآزمیان» در ۳۱کیلومتری شهرستان مشکین شهر. این محوطهٔ باستانی با وسعت نزدیک به دویست هکتار، یکی از مهمترین آثار باستانی متعلق به «عصر آهن» (یعنی نزدیک به هشتهزار سال قبل از میلاد) را، در خود جای داده است. این محوطه را اولین بار «چارلز برنی» در سال ۱۹۷۸ کاوید و آن را به نام «قلعهٔ ارجق» معرفی کرد. تحقیقات و کاوشهای بعدی، اهمیت این ناحیه را بیش از پیش آشکار کرده است و به همین دلیل در سال ۱۳۸۱، این محوطه و آثار آن در فهرست آثار ملی ایران ثبت شد. در مدت این کشفیات، حدود سیصد سنگافراشته با ارتفاعات متفاوت به دست آمد که متأسفانه تعداد فراوانی از آنها از میان رفته است. این سنگافراشتهها که دلایل ساخت و کاربردشان، همچنان توجه و تحقیق دانشمندان را به خود جلب کرده است، از عجیب ترین و اسرار آمیز ترین آثار تاریخی در ایران است. نکتهٔ مهم در این سنگها، نقوش حکشده بر روی آنهاست که بسیار استثنایی و منحصربهفرد است. بیشتر این سنگافراشتهها، نقش مردان داشته و ظاهراً تنها دو سنگ با نقش زنان و تعدادی نیز با تصویر بچهها در میان آنها وجود دارد. در تمامی این نقوش، چشمان درشت و باز، موها و لباس های بلند و کمربند دیده می شود. وجود شمشیر و خنجر آویخته به کمر در این نقشها، باعث شد تا گروهی آنان را مردانی جنگی یا نگهبانان معبد بدانند. با این حال، وجود یک ویژگی بسیار مهم در این نقوش، یعنی حکنشدن دهان در آنها بهجز در دو نمونه، این تصور را به وجود آورده بود که شاید این مجسمههای سنگی، نماد و نشانهای از سکوت و مرگ و گورسنگهایی باستانی باشند. ردیفبودن آنها، یعنی قرارگرفتن آنها در شانزده ردیف کنار یکدیگر به صورت منظم و نیز اندازه و تعدادشان برخی محققان را بر این داشت تا سنگافراشتهها را ابزاری برای رصد آسمان و اندازهگیری ارتفاع خورشید و ماه از زمین و نوعی تقویم خورشیدی باستانی بدانند. اجتماع این افراشتهها در کنار یکدیگر و نقوش انسانیشان باعث شده بود که مردم محلی آنها را «مکتب اوشاقلاری»، یعنی بچههای مکتب، بنامند.





